



قرن دهم

تقریباً از اواخر قرن نهم حرکت دوباره تفسیر شروع شد و از قرن دهم پس از یک دوران سخت خفقان که برای شیعیان خصوصاً شیعیان ایران حاکم بود، حکومت صفویه روی کار می آید و در اثر مساعد بودن اوضاع سیاسی، علمای شیعه نفسی تازه کرده، در کنار دیگر نوشته های خود، به نگارش تفسیر روی می آورند مخصوصاً تفسیرهایی به زبان فارسی مانند: «تفسیر شاهی» در شرح آیات الاحکام در دو جلد. اثر الامیر ابی الفتح بن الامیر مخدوم بن الامیر شمس الدین محمد بن الامیر السید الشریف الحسینی الجرجانی (متوفی ۹۷۶هـ) که به اسم «شاه طهماسب صفوی» تألیف کرده و در آخر کتاب نوشته است:

از قرن دهم تا پانزدهم، تفاسیر شیعه، تحولات چشمگیر و همراه با پیشرفت و شکوفایی را طی کرده است که در این نوشتار، به اختصار آن را ملاحظه می فرمایید.

«اینست آخر کلام در این مقام، و اتمام تفسیر آیات الاحکام، مشتمل بر تحقیقات متعلقه به نظم کلام، و تدقیقات لائقه به معنی و مرام که به دولت نواب کامیاب همایون اعلی خلخال احتشام درپا کشیده، و از پرده خفا بر منصه ظهور

جلوه‌گر گردیده»

و «زبدة البیان فی احکام القرآن» اثر «ملاّ احمد بن محمد» مشهور به «مقدس اردبیلی» (متوفای ۹۳۳) در دو جلد به زبان عربی. این تفسیر نیز مانند تفسیرهای فقهی شیعه به شکل موضوعی، آیات قرآن را مورد بحث قرار داده است و به تناسب، به بحثهای گوناگون از قبیل کلام، اخلاق و تاریخ هم پرداخته است.

و تفسیر «ترجمة الخواص» زواره‌ای معاصر شاه طهماسب (۹۳۰ - ۹۸۴) در دو جلد. و تفسیر «منهج الصادقین» اثر ملاّ فتح‌الله کاشانی (م ۹۸۸هـ) در ده جلد شامل مطالب گوناگون قرآنی^۲.

قرن یازدهم

در قرن یازدهم با اجرای شریعت توسط صفویان، تحولی در آثار تفسیری و احکام شریعت به وجود می‌آید. تفاسیر علمی نگارش می‌یابد مانند «مسالك الافهام الی آیات الاحکام» تفسیر فقهی پس از زبدة البیان در دو جلد نوشته فاضل جواد کاظمی (متوفای قرن ۱۱). و تفسیر «صافی» اثر محمد بن مرتضی مشهور به ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ هـ.ق).

این دو تفسیر از دو ویژگی برخوردار است: یکی این که مؤلفان، در تفسیر آیات از روایات استفاده کرده و به نقد و بررسی آنها پرداخته‌اند و دیگر این که از نکات ادبی و ... سود جسته و علت بکارگیری روایات را حفظ قرآن از تحریف ذکر کرده‌اند.

قرن دوازدهم و سیزدهم

گرچه در قرن یازده مسلکی قشری به نام اخباری گری به وجود می‌آید که به تفسیر اثری (نقلی) روی آورند و تا نیمه‌های قرن دوازده ادامه پیدا می‌کند و عده‌ای از این مسلک پیروی و طرفداری می‌کنند که عقل و اجتهاد را تعطیل می‌کنند ولی از آنجائی که این روش (اثری) جوابگوی شبهات درباره احکام و مسائل اعتقادی نبود، لذا از نیمه‌های

(۲) الذریعة، ج ۲۳، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

(۱) الذریعة، ج ۴، ص ۲۷۷.

قرن دوازده به بعد دانشمندانی در مقابل این گروه قد برافراشته و با مبارزه بی‌امان خود با این مسلک؛ این طرز تفکر رو به افول می‌گذارد؛ مخصوصاً مرحوم «وحید بهبهانی» (۱۲۰۵) که در استدلال و تفکر نبوغ خاصی داشت.

تفاسیر این قرن عبارتند از: «الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین» اثر سید عبدالله شبر کاظمی نجفی (ت ۱۱۱۸ م ۱۲۴۴) که جمع میان روش نقلی و اجتهادی است. البته مفسر تفسیرهای دیگری هم دارد به نام «الوجیز» که در حاشیه قرآن چاپ شده و معروف به تفسیر شبر است و نیز تفسیر «صفوة التفاسیر» که متأسفانه چاپ نشده است. و تفسیر «برهان» اثر سید هاشم حسینی بحرانی (م ۱۱۰۷). از اول تا آخر قرآن را تفسیر کرده و از «علی بن ابراهیم» نقل حدیث می‌کند^۱ و تفسیر «نورالثقلین» اثر عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی (م ۱۱۱۲) که تفسیر روائی است به سبک تفسیر برهان. او بر خلاف تفسیرهای روائی پیش از خودش، روایاتی که مربوط به تفسیر آیه نبوده، نیاورده است. و همچنین «تفسیر المعین» کاشانی (م ۱۱۱۵) و کنزالدقائق قمی (م ۱۱۲۵) و...

حرکتی که از نیمه‌های قرن دوازدهم در مقابل این گرایش آغاز شده بود، رفته رفته شدت بیشتری به خود گرفت و در قرن سیزده زمینه بازگشت به قرآن را آماده می‌کرد و تفسیر قرآن به قرآن گسترش می‌یافت.

قرن چهاردهم

اما در قرن چهاردهم اندیشمندانی مانند «سید جمال‌الدین» اسدآبادی (ت ۱۲۵۴ م ۱۳۱۴ هـ) و دیگران به فکر بازگشت به قرآن و کنار گذاشتن تعصبات کور و خرافات افتادند تا بدینوسیله از کجروها جلوگیری کنند، و عزت اسلام و مسلمین را که در سایه قرآن و عمل به احکام و آیات آن به وجود آمده بود، به دست آورند. در اثر این نهضت فکری بود که تقریب بین مذاهب و علمای «الازهر» و شیعه به وجود آمد، تفاسیر متعددی به رشته تحریر درآمد که ما به عنوان مثال به چند مورد اشاره می‌نماییم:

(۱) تفسیر برهان، ج ۱۷ ص چاپ بعثت قم.

۱. تفسیر «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن» اثر محمد جواد بلاغی (م ۱۲۸۲-
ت ۱۳۵۲ هـ.ق) در دو جلد به زبان عربی از سوره فاتحه تا اوائل سوره مائده که عمر
مفسّر وفا نکرده تا ادامه دهد. این تفسیر شامل اعجاز قرآن، نقد دیدگاههای تحریف، ردّ
انتساب تحریف به شیعه و دیگر مطالب تفسیری؛ و یکی از تفاسیری است که مورد
توجه شیعه می باشد.

۲. تفسیر «جامع» منسوب به امام حسن عسگری علیه السلام، اثر سید ابراهیم
بروجردی (زنده در سال ۱۳۴۰ ش)، تفسیر روایی است. جامع بودن این اثر از لحاظ
گردآوری روایات منسوب به امام علیه السلام است مانند تفسیر عیاشی و تفسیر منسوب به علی
بن ابراهیم قمی، نه جامع در روشهای تفسیری.

۳. تفسیر «آیات مشکله قرآن» را نمونه دیگری از حرکت به بازگشت به قرآن
باید به حساب آورد زیرا در اثر تبادل افکار و ارتباط علما به وجود آمد که اثر «حاج
یوسف شعار» تبریزی (متوفی ۱۳۲۰ ق = ۱۳۵۲ ش) است. در این اثر به تفسیر برخی از
آیات قرآن که در نظر نویسنده از آیات متشابه و دشوار بوده، پرداخته و به این وسیله
نظریات و آرای خود را در اختیار دیگران گذاشته و این حرکت تقریباً پنجاه سال ادامه
داشته و شاگردانی در تبریز و تهران تحت عنوان «مجلس تفسیر» تربیت کرده است.

این تفسیر با انتقادهائی مواجه شده است که ما به یکی از نمونه های آن اشاره
می نماییم و آن نقد مفصلی است از «آیه الله حاج شیخ جعفر سبحانی» تحت عنوان
«تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن» که چندین بار چاپ شده و مهم ترین نقد این اثر در
زمینه ندیده گرفتن اخبار صحیح، جمود بر سیاق آیات، اشتباه مفهوم به مصداق و
ناآگاهی از تاریخ عرب جاهلی و صدر اسلام، و در نتیجه انکار برخی از عقاید مهم شیعه
مثل انکار اجمالی عصمت و... می باشد. چنانکه آیه الله سبحانی در این مورد می نویسد:

«نتیجه ای که خواننده از این کتاب می گیرد، اینست که:

۱. انبیا معصوم نبودند گاهی و یا پیوسته خدا را نافرمانی می کردند.
۲. هیچ گاه خدا مودّت خویشاوندان رسول خدا را بر ما لازم نکرده است.
۳. آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» درباره علی علیه السلام نازل نشده است.

۴. خطبه معروف صدیقه طاهره علیه السلام معمول است و از این قبیل مطالب^۱.

قرن پانزدهم

اما در قرن پانزدهم علم تفسیر به اوج شکوفائی خود می‌رسد و با نگارش تفسیرهای جامعی به رشته تحریر درمی‌آید مانند:

«المیزان» توسط علامه طباطبائی رحمته الله (ت ۱۳۲۱ ق - م ۱۴۰۲ = ۱۳۶۰ ش)، تحولی به وجود آمد، و می‌توان گفت: «المیزان» همان تحولی را ایجاد کرد که تفسیر «تبیان» شیخ طوسی و «مجمع البیان» طبرسی در قرنهای پنجم و ششم به وجود آوردند.

«به اعتراف مخالفین سرسخت شیعه، تفسیر «المیزان» نه تنها در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام که در جهان اسلام از بهترین تفاسیری بود که به عرصه ظهور رسید»^۲.

تفسیر «مخزن العرفان، کنز العرفان» اثر خانم «نصرت امین» معروف به «بانوی اصفهانی» (م ۱۳۱۳ ق - ت ۱۴۰۳ = ۱۳۶۰ ش). این تفسیر در پانزده جلد شامل تمام قرآن و یکی از تفاسیر جامع محسوب می‌شود و به سبک تحلیلی به بیان تفاسیر آیات پرداخته است.

در پایان با اشاره اجمالی به چند نمونه از تفاسیری که از قرن چهاردهم به بعد به زیور طبع آراسته شده و در دسترس هست، سخن خود را به پایان می‌بریم:

تفاسیری همچون «البیان» مرحوم آیه الله العظمی خوئی، که متأسفانه حتی سوره حمد هم به آخر نرسیده؛ که اگر این تفسیر ادامه پیدا می‌کرد، در تاریخ تفسیر شیعه بی نظیر بود ولی در عین حال در میان علمای تفسیر از جایگاه خاصی برخوردار است. و تفسیر نمونه زیر نظر «آیه الله مکارم شیرازی» و پیام قرآن (تفسیر موضوعی تفسیر نمونه). و نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی به نام «منشور جاوید» نوشته آیه الله جعفر سبحانی که در ۱۴ جلد چاپ شده؛ و «تفسیر کاشف» نوشته دکتر سید محمد باقر

(۱) آیه الله سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله، ص ۱۴.

(۲) ایازی، سید محمد علی، سیر تطور تفاسیر شیعه، به نقل از فهد الرومی، عبدالرحمان، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ص ۲۴۹.

حجتی و دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی و....

امید است علوم قرآن و تفسیر به وسیله دانشمندان شیعه که دانش آنان نشأت گرفته از سرچشمه زلال خاندان وحی می باشد، بیش از پیش رونق یافته و خداوند متعال توفیقات بیشتری برای درک مفاهیم قرآن به همه مسلمانان عنایت بفرماید. انشاءالله

(بقیه از صفحه ۶)

اعمال نفوذ را به دنبال دارد و سر از رانت خواری درمی آورد که گریبانگیر جامعه ما شده است. ۴. به دنبال برخی اظهارات متهم ردیف اول پرونده مبارزه با مفساد اقتصادی، تعدادی از شخصیتها و چهره های سیاسی که متهم، ادعای پرداخت پول به آنها را مطرح کرده از جریان محاکمه و روند رسیدگی به پرونده اظهار ناراحتی می کنند و گاهی گفته می شود که «با این وضع، نظام تضعیف می شود» یا «با این روند نظام زیر سؤال می رود» و این معنا در طیف خاصی از مطبوعات انعکاس پیدا می کند و مورد انتقاد قرار می گیرد و اصل پرونده و دستگاه قضائی و مشکل رسیدگی به پرونده همه زیر سؤال می رود.

در اینجا جای این سؤال و گله باقی است که آیا در پرونده قتل های زنجیره ای که در آن زمان این طیف از مطبوعات آنهمه دنبالش را گرفتند، و بعضی از فعالان سیاسی مدتها روی آن مانور دادند، نظام، کمتر از این تضعیف شد و کمتر زیر سؤال رفت؟! آیا محافل خارجی کمتر از این، غوغا به راه انداختند؟! آیا شخصیت های کمتر و کوچکتری در مظان اتهام قرار گرفتند؟! در آن پرونده دیدیم که مقامات بلند پایه و مسؤل گفتند و تأکید کردند که با رسیدگی به آن پرونده در واقع نظام در درون خود یک جراحی انجام داد و یک غده چرکین را بیرون آورد، و قول دادند که دیگر چنین سوء جریانی تکرار نخواهد شد.

حال اجازه بدهید یکبار دیگر چنین جراحی مهمی - منتها در عرصه دیگر و به صورت دیگر - انجام بگیرد و از این راه نظام در برابر اینگونه انحرافها مصونیت پیدا کند و دیگر رانت خواری و مفساد اقتصادی تکرار نشود. آیا تضعیف نظام در جایی خوب و در جایی بد است؟! ۱۹